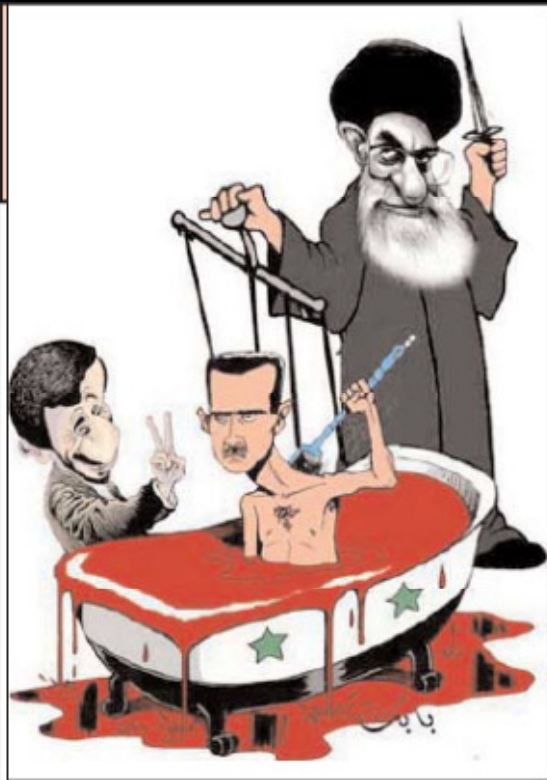


از آن هفته تا این هفته برویدهای مهم جهان نقطه بی بازگشت



هوشنگ اسدی

خرداد- ماه خیزش، اصلاحات و نزول و نزاع حکومت اسلامی به نیمه می شود، به سالگرد دیگری از قیام و رحلت سیدی می رسد که در قدرت، لقب 'امام' گرفت، جمهوری اسلامی را بنا نهاد بر خون و شمشیر، و چون رفت جانشینش تا بدلتجا میراث 'امام' را دامن گسترد که اکنون دست در دستان چهار بی رحمی دارد که جهان یکسره لعنتش می کند.

کوفی عنان، نماینده ویژه سازمان ملل متحد و اتحادیه عرب پس از دیدار با پشار اسد، دیکتاتور سوریه و تنها دوست و متحد نظام در جهان می گوید: کشتار و اعمال خشونت آمیز، به نقطه بی بازگشت رسیده است.

تصویر قربانیان قتل عام هولناک 'حوله' در منظر جهانیان است که با دیدن گلوی بریده کودکان بیگناه خون می گریند و در گزارش ها می خوانند: بخشی از قربانیان با سلاح سرد یعنی چاقو کشته شده اند. به احتمال زیاد، نیروهای لباس شخصی پشار اسد یا نیروهای شبه نظامی محلی هوادار حکومت، اقدام به این کار کرده اند.

اگر هم شکی در تکرار تجربه آباس شخصی های اعزامی از تهران در شهرهای سوریه بود، با سخنان جانشین فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران، برطرف می شود. اسماعیل قانعی، شرکت در عملیات نظامی و شبه نظامی در سوریه را تأیید می کند. او به

خبرگزاری ایستا می گوید: جمهوری اسلامی به طور فیزیکی و غیرفیزیکی در عملیات نظامی، شبه نظامی و غیرنظامی در سوریه همگام با رژیم پشار اسد شرکت دارد.

سردار قانعی علت همپیوندی جمهوری اسلامی - سوریه را توضیح می دهد: با وجود تمام اشکالاتی که دولت سوریه دارد و ما برای رفع آنها متذکر بوده ایم، اما سوریه جغرافیای مقاومت است و علت فشارهای آمریکا و اسرائیل به این دلیل است که دیدند تصرف آن امکان پذیر نیست.

این مصاحبه، بلافاصله از خروجی سایت خبرگزاری ایستا حذف می شود. اما در دهکده کوچک جهانی به سخنان ننانهاو پیوند می خورد: ایران بخشی جدایی ناپذیر از جنایات اسد است.

شورای امنیت سازمان ملل متحد در نشست فوق العاده دولت پشار اسد را به خاطر استفاده از سلاح های سنگین در این قتل عام به شدت محکوم می کند. وزارت امور خارجه سوریه مدعی می شود، در این قتل عام دست نداشته و خود را بی گناه می داند.

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی و مجلس شورای اسلامی، عاملان این جنایت را، تروریست هایی اعلام می کنند که از کشورهای همسایه وارد سوریه شده اند.

کشورهای مهم جهان سفرای سوریه را اخراج می کنند. حتی روسیه به نعل و به میخ می زند. سرگی لاوراف وزیر امور خارجه روسیه در دیدار با ویلیام هیگ وزیر خارجه انگلستان، حرف تازه ای می زند: تغییرات در سوریه را می پذیریم و نه با تأکید بر بقای حکومت پشار اسد.

تنها نظام است که دستان خونین پشار اسد را رها نمی کند. علی اکبر صالحی می گوید: جمهوری اسلامی معتقد است هر تغییری در سوریه باید با حفظ پشار اسد و رژیم او باشد.

'شلیک' و 'ترور' تنها زبانی است که نظام مقدس جمهوری اسلامی می شناسد. حتی برای یک ترانه خوان هم بر اساس حکم مراجع تقلید، بازی فلش شلیک به مرتد توسط مؤسسه هنر ناب اسلامی تولید می شود و به رایگان در فضای مجازی قرار می گیرد.

واشینگتن پست براساس اسناد کشف شده، از طرح هایی برای عملیات ترور در هفت کشور برده بر می دارد که قرار بود در ۱۳ ماه توسط عاملان جمهوری اسلامی انجام شود. این اسناد شباهت زیادی با مدارک کشف شده در طرح ترور سفیر سعودی در واشینگتن و دیپلمات هایی در هند، ترکیه، تایلند، پاکستان و گرجستان دارد. هند و تایلند جمهوری اسلامی را عامل این طرح ها معرفی کرده اند.

نماینده کمی نظام در سازمان ملل این ادعا را رد می کند. واشینگتن پست می نویسد: اجرای این طرح ها به طور ناگهانی با آغاز فصل بهار همزمان با تغییر لحن ایران در خصوص مذاکرات اتمی، متوقف شد.

یک دیپلمات غربی این پرسش را مطرح می کند: به نظر می رسد

نیت آرام کردن اوضاع پیش از مذاکرات بود. در صورت شکست مذاکرات چه پیش خواهد آمد؟ مذاکرات بعدی هم در خرداد خواهد بود. در روزهای پایانی ماه نظام اسلامی در برابر یک چالش سرنوشت ساز به دقایق پایانی تصمیم گیری می رسد. بعد از مذاکرات بغداد که به گفته یک دیپلمات ناشناس ایرانی با شکست کامل روبرو شده، صحنه دیگر شده است. صادق زیبا کلام، روی مهمترین مساله دست می گذارد: انکار تأثیر تحریم ها دیگر ممکن نیست.

رئیس اتاق بازرگانی تهران، در نشست هیات نمایندگان اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران، یک جنبه از تأثیر تحریم ها را می شکافد. او تأثیر شرایط بانک ها در جمهوری اسلامی را نگران کننده می خواند و می گوید: آمارها نشانگر اوضاع غیرعادی سیستم بانکی کشور است. حجم مطالبات معوق مانده بانک ها به ۵۴ هزار میلیارد تومان رسیده است. روابط بانک ها با بانک مرکزی مناسب نیست و در نتیجه، بانک ها در پرداخت تسهیلات قفل شده اند.

وای نت نیز از سایه عدم اعتماد بر فراز گفتگو ها می نویسد. وال استریت ژورنال آینده گفت و گوها را چنین می بیند: امید به مذاکرات ایران و پنج به اضافه یک کم شده.

گزارش کوتیدیانو حاکی است: 'حالا وضعیت خطرناک است.'

استراتژی پیچ می پرسد: درد ایرانی ها چیست؟

ایرانی ها، البته دردی جز صلح و دمکراسی ندارند. نظام حاکم بر ایران، همچنان با چراغ های خاموش حرکت می کند. حرف های غیر رسمی مقامات، خبر از 'مقاومت' می دهد. فقط پوشش فرقی کرده است. به جای دهان پر دشنام احمدی نژاد، لبخند مرعوز هاشمی رفسنجانی رویت می شود. علی اکبر ولایتی، می گوید: بنای نظام این نیست که غنی سازی را متوقف کند.

مصطفی پورمحمدی همین حرف را می زند: همان گونه که مذاکره کنندگان و مسئولان ما توجه دارند شرایط کنونی شرایط کوتاه آمدن در مقابل ۱۰۵ نیست. نباید این تلقی پیش بیاید که باید کوتاه بیاییم. تا مشکلات حل شود. اگر ما کوتاه بیاییم غرب تلاش می کند فشار علیه ما را افزایش دهد تا روند کوتاه آمدن ما به سطحی که او می خواهد برسد.

نقطه بی بازگشت

حسن سبحانی نیا عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس هشتم هم شیوه فرار به جلو را برمیگزیند: آذغنی سازی ۲۰ درصد اورانیوم عبور کرده ایم.

هیلاری کلینتون وزیر خارجه آمریکا، موضع کشورش را تکرار می کند: همزمان با زمینه سازی برای مذاکرات مسکو در چارچوب سیاست دوسویه، فشار را ادامه

می‌دهیم. همه تحریم‌ها بر جای خود باقی است و در این مدت هم ادامه خواهد داشت. انتخاب با ایران است که به تعهدات بین‌المللی خود عمل کند و به جهان درباره نیت‌های خود اطمینان دهد یا نه.

وضع نظام در جهان چنین است. در داخل بهتر است؟ پسرغلامعلی حداد عادل حرف‌هایی می‌زند که ادیب آداب دانی چون ناصر زراعتی هم جوش می‌آورد و می‌نویسد: «باشنیدن این حرف‌ها به مفهوم دقیق این اصطلاح پی خواهید برد: گوزپیچ شدن. حضرات خودشان هم می‌دانند که گوزپیچ شده‌اند.»

و حتی دستچین اخبار هفته هم برای تائید حرف‌های پسرغلام علی که پدرش در انتخابات ریاست مجلس از علی شکست خورده کفایت می‌کند تا پنجره دیگری به گوزپیچ جمهوری اسلامی بگشاید که قرار بود فرهنگ

و اخلاق اسلامی را در ایران حاکم و سپس به سراسر جهان صادر کند. فرمانده ناجا از پرونده ۹۰۰ تجاوز به زنان و مردان در ماه خبر می‌دهد.

از توضیح بیشتر روشن می‌گردد که ۴۰ درصد آمار تجاوز مربوط به زنان است و ۶۰ درصد بقیه علیه افراد زیر ۱۵ سال. در واقع منظور سردار از «مردان» همان کودکان است که قربانی لواط می‌شوند. سردار احمدی مقدم با نهایت افتخار اعلام می‌فرمایند: «تا خرداد سه سال پیش هدف اصلی متجاوزان به عنف، بانوان و دختران جوان بودند و حالا در دهه اول خرداد سال ۹۱ دیگر مردها هم از تهدیدی به نام تجاوز در امان نیستند.»

قاعدتا افتخار تبدیل ایران به سرزمین قوم لوط تصیب امام‌خامنه‌ای می‌شود که آیت‌الله حسین نوری همدانی از مراجع تقلید، «این هفته او را نائب‌امام زمان» و فرمانده کل قوا در تمام دنیا معرفی می‌کند.

مدیرکل حوزه ریاست پزشکی قانونی کشور هم خیراقتخار آفرین دیگری می‌دهد: ایران، رتبه اول مصرف تریاک در دنیا.

و گند گشایش خانه بد نام اینترنتی زیر پوشش صیغه، فضای مجازی را پر می‌کند.

و نظام باز هم نسخه کهنه می‌پیچد و در تابستانی دیگر «چماق امنیت» را مستقر می‌کند. میادین، مراکز خرید، پارک‌ها، اماکن تفریحی و کوهستان‌ها، اتومبیل‌ها، مدارس و دانشگاه‌ها، غرفه‌های نمایشگاه‌ها و... توسط پلیس نظامی می‌شوند. فروش گراوات برای هزارمین بار به مشکل جامعه تبدیل و جمع‌آوری گراوات‌ها از

مغازه‌ها آغاز می‌شود. مراقبت از حجاب زنان شدت بیسابقه‌ای می‌گیرد.

مه‌آفرید خسروی، متهم ردیف اول اختلاس بزرگ تاریخ فریادش در دادگاه بلند می‌شود نام مسوولان بلندپایه جمهوری اسلامی را که در اختلاس دست دارند بزبان می‌آورد. اسم علاالدین بروجردی رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس هشتم که تکراری است. سخن از محسن رضائی و سردار رستم قاسمی و البته رحیم‌مثنائی می‌رود.

او از دادستانی و دادگاه به خاطر امنیت‌بندی کردن پرونده انتقاد می‌کند، همه را ترسانده‌اید که جرأت نکنند حرف بزنند چرا شما نمی‌گذارید من در تلویزیون مصاحبه کنم؟ در واقع من ۱۰ ماه در بازداشت هستم، آیا این درست است؟

بعد معلوم می‌شود که ایشان با محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام در منزلش، پارک لویزان، دفترش و در خیابان ظفر ملاقات و جلسه داشته است تا شرکتی را برای دور زدن تحریم‌ها در خارج از کشور دایر کند.

ایشان با اشاره به جلسه‌ای با حضور

اسفندیار رحیم‌مشایی در هتل لاله تهران می‌فرمایند: دفتر آقای مشایی در پاستور بود ولی جلسه ما در اتاق خواب برگزار شد. فکرش را بکنید در مورد بزرگ‌ترین پروژه کشور باید در اتاق خواب هتل لاله تصمیم‌گیری می‌کردیم.

خانم‌ها! آقایان! واقعا فکرش را بکنید. این حرف‌ها تاریخی است. مدیر چقیه دورگردش می‌اندازد و تسبیح دستش می‌گیرد و یقه‌اش را می‌بندد و هر کاری دلش می‌خواهد انجام می‌دهد.

جدال سه قوه بر سر کساد مالی و تفسیر قانون تمام هفته ادامه دارد. از اسفندیار رحیم‌مشایی و محمدرضا رحیمی، به عنوان اختلاس‌گر، رشوه‌گیر و کار چاق‌کن نام برده می‌شود.

و بالاخره به جایی می‌رسد که اطلاعاتی‌ها به تب هم می‌زنند. واز تلاش مصلحتی برای ادغام نهادهای امنیتی خبر می‌رسد.

سروکله سردار امنیتی دیگری بنام سراج پیدا می‌شود. در حرم عبدالعظیم و در جمع هادیان سیاسی ارشد سپاه درباره خطر شکل‌گیری جبهه و مثلث هاشمی‌رفسنجانی (فتنه) احمدی‌نژاد (انحرافی) و انشاقیون اصولگرا (علی لاریجانی) علیه رهبری هشدار می‌دهد.

به فرمایش این سردار امنیتی مثلث (هاشمی-احمدی نژاد و لاریجانی) در چهار موضوع تحریم‌ها، مذاکرات هسته‌ای، رابطه با

امریکا و انتخابات ۹۲ در حال تحمیل نظرات خود بر آقا هستند. و هدف نهائی: خوراندن جام زهر مذاکره و رابطه با امریکا به رهبری است.

هاشمی و احمدی نژاد شانه به شانه به مجلس می‌روند رئیس مجمع تشخیص مملکت باز هم از مذاکره با امریکا می‌گوید. علی لاریجانی هم رئیس موقت مجلس می‌شود. اینها قرار است جام زهر به دست آقا بدهند؟ باید منتظر ماند تا وضع آقا روشن شود. فعلا که رئیس گردان محافظتیش، سردار جباری، تکلیف محمد خاتمی را روشن می‌کند که هنوز دارد رای دادن به نظام را توجیه و تفسیر می‌کند: «خاتمی که می‌خواهد پس از این همه خیانت به میان مردم بازگردد، باید جلوی مردم زانو زده و بگوید غلط کردم. او باید خجالت بکشد و توبه کند.»

خرداد ماه به نیمه می‌رسد. نظام تدارک سالگرد قیام خوتین ۱۵ خرداد و زحمت حضرت امام خمینی را می‌بیند. مردم آماده هجوم به شهرهای شمالی می‌شوند. مصطفی تاجزاده می‌گوید: زمام کشور به دست چکمه پوشان است.

چکمه پوشان باز بر طلب جنگ می‌کوبند. کوفی عنان دست خالی از سوریه بر می‌گردد. لاید علی لاریجانی، خبری دارد که خطاب به امریکا می‌گوید: «متوجه عواقب خطرناک مداخله نظامی در سوریه باشید.»

لئون پاتنه آ، وزیر دفاع امریکا، انگار به او جواب می‌دهد: گزینه نظامی علیه ایران نه تنها در دسترس بلکه آماده است.

خداپدر مصطفی ایژدی معاون ستاد کل نیروهای مسلح را بیامزد که حرفی می‌زند برای سیر خندیدن: «طبق فرمایشات مقام معظم رهبری ما در علوم انسانی ۲۰۰-۳۰۰ سال از دنیا جلو هستیم.»

و حافظ که در نیمه شب چهارشنبه به سخن است:

در تیره شب هجر تو جانم به لب آمد

وقت است که همچون مه تابان به

درآیی

بر رهگذرت بسته‌ام از دیده دو صد

جوی

تا بو که تو چون سرو خرامان به

درآیی

حافظ مکن اندیشه که آن بوسلف

هه رو

باز آید و از گلبنه احزان به درآیی